



محکم تر باشد، دلیل بر اهمّیت و سرنوشت ساز بودن آن مسأله است؛ بنابراین تهذیب نفس جایگاه والایی در زندگی انسان دارد و اگر انسان بخواهد رستگار شود، باید خود را تزکیه کند و گرنه از سعادت و رستگاری محروم می شود.

از سوی دیگر تزکیه بدون داشتن استاد و برنامه و دستورالعمل مشخص، امکان پذیر نیست. داشتن یک استاد، برنامه و دستورالعمل

هدف از خلقت انسان رسیدن به قرب الهی است و این هدف جز با تزکیه و تهذیب نفس به دست نمی آید. خداوند متعال در فرازهای اول سوره شمس به تبیین ضرورت و اهمّیت تزکیه و تهذیب نفس پرداخته و بعد از سوگندهای پی در پی و محکم و تأکیدهای فراوان^۱ می فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا»^۲؛ «به تحقیق کسی که نفس را پاک کند رستگار شود و کسی که آن را تباہ کند، بی بهره شود.»

می دانیم که هر چه سوگندهای قرآن در مورد یک مسأله، بیشتر و

۱. در این سوره، یازده قسم و سیزده تأکید وجود دارد.

۲. شمس / ۱۰ و ۹.

مطمئن و پیروی از آن یک ضرورت است.

امام خمینی علیه السلام می فرماید: «مواظب باشید مبدا پنجاه سال باکد یمین و عرق جبین در حوزه‌ها جهنم کسب نمایند، به فکر باشید در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید.»^۱

آیت الله قاضی علیه السلام یکی از بزرگان اخلاق بود که دستورالعمل‌های اخلاقی او می تواند راهگشای ما برای رسیدن به مراحل عالی معنویت باشد. حضرت امام خمینی علیه السلام درباره او می فرماید: «قاضی، کوهی بود از عظمت و مقام توحید.»^۲

علامه طباطبائی علیه السلام می فرماید: «ما هر چه در این مورد داریم، از مرحوم قاضی داریم. چه آنچه را که در حیاتش از او تعلیم گرفتیم و از محضرش استفاده کردیم، چه طریقی که خودمان داریم، از مرحوم قاضی گرفته ایم.»^۳

آیت الله سید هاشم حدّاد می فرماید: «از صدر اسلام تا به حال،

عارفی به جامعیت مرحوم قاضی نیامده است.»^۴

در این مقاله سه دستور العمل اخلاقی و عرفانی از آیت الله قاضی علیه السلام جمع آوری شده و سعی شده است شواهدی از احوالات آن عارف وارسته متناسب با فقرات مختلف دستور العمل‌ها در پی نوشت‌ها آورده شود.

دستور العمل‌های اخلاقی

دستور العمل اول

آیت الله سید علی قاضی برای گذشتن از نفس اماره و خواهش‌های نفسانی، به شاگردان و تلامذه و مریدان سیر و سلوک الی الله دستور می دادند روایت عنوان بصری را بنویسند و بدان عمل کنند؛ یعنی، یک دستور اساسی و مهم، عمل طبق مضمون این

۱. روح الله الموسوی الخمینی، مبارزه با نفس یا جهاد اکبر، تهران، انتشارات امیر کبیر، ۱۳۶۰، ص ۳۱.

۲. محمد حسین حسینی طهرانی، روح مجرد، تهران، انتشارات حکمت، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۲۸۵.

۳. صادق حسن زاده، اسوه عارفان، قم، انتشارات آل علی، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، ص ۷۱.

۴. روح مجرد، ص ۱۷۴.

روایت بود و علاوه بر این می فرمودند: باید آن را در جیب خود داشته باشند و هفته ای یکی دو بار آن را مطالعه نمایند. این روایت، بسیار مهم است و حاوی مطالب جامعی در بیان کیفیت معاشرت و خلوت و کیفیت و مقدار غذا و کیفیت تحصیل علم و کیفیت حلم و مقدار شکیبایی و بردباری و تحمل شدائد در برابر گرفتار هرزه گویان و بالاخره مقام عبودیت و تسلیم و رضا و وصول به اعلا ذروه عرفان و قلّه توحید است. از این رو شاگردان خود را بدون التزام به مضمون این روایت نمی پذیرفتند.^۱

این روایت را «عنوان بصری» از امام صادق علیه السلام نقل می کند که به جهت رعایت اختصار، تنها بخشی از آن را که شامل دستور العمل است، بیان می کنیم:

عنوان بصری می گوید: عرض کردم، ای ابا عبدالله! حقیقت عبودیت چیست؟

فرمود: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءٌ: أَنْ لَا يَبْرِيَ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ مِلْكَاً لِأَنَّ الْعَبْدَ لَا يَكُونُ لَهُمْ مِلْكٌ، يَرَوْنَ الْمَالَ مَالِ اللَّهِ يَصْعَوْنَهُ حَيْثُ

أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ وَلَا يَدْبُرُ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ تَدْبِيراً وَمَجْمَلَةً اِسْتِغَالَةً فِيمَا أَمَرَهُ تَعَالَى بِهِ وَنَهَاهُ عَنْهُ، فَإِذَا لَمْ يَبْرَأِ الْعَبْدُ لِنَفْسِهِ فِيمَا حَوَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَى مِلْكَاً هَانَ عَلَيْهِ الْإِنْفَاقُ فِيمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْ يُنْفِقَ فِيهِ وَإِذَا قَوَّضَ الْعَبْدُ تَدْبِيرَ نَفْسِهِ عَلَى مُدْبِرِهِ هَانَ عَلَيْهِ مَصَائِبُ الدُّنْيَا وَإِذَا اسْتَعْلَلَ الْعَبْدُ بِمَا أَمَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى وَنَهَاهُ لَا يَنْفَرِعَ مِنْهُمَا إِلَى الْمِرْيَاءِ وَالْمُتَاهَاةِ مَعَ النَّاسِ.

فَإِذَا أَحْرَمَ اللَّهُ الْعَبْدَ بِهَذِهِ الثَّلَاثَةِ هَانَ عَلَيْهِ الدُّنْيَا وَابْلِيسَ وَالْمَخْلُوقَ وَلَا يَطْلُبُ الدُّنْيَا تَكَثُّراً وَتَفَاخُراً وَلَا يَطْلُبُ مَا عِنْدَ النَّاسِ عِزّاً وَعُلُوّاً وَلَا يَدْعُ أَيَّامَهُ بَاطِلاً. فَهَذَا أَوَّلُ دَرَجَةِ التَّقْوَى. قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوّاً فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَاداً وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»؛^۲ [حقیقت عبودیت]

سه چیز است: این که بنده خدا درباره آنچه که خدا به وی سپرده است، برای خودش ملکیتی نبیند. چرا که بندگان دارای ملک نیستند؛ مال را مال خدا می دانند و در آن جایی که خداوند ایشان را امر کرده است که بنهند، می گذرانند و بنده خدا برای خودش

۱. محمد حسین حسینی طهرانی، روح مجرد، تهران، انتشارات حکمت، ۱۴۱۴ هـ.ق، ص ۱۷۵.

۲. قصص ۸۳.

می‌دهیم که اراده برتری جویی و فساد در زمین را ندارند و عاقبت برای پرهیزگاران است.»
گفتم یا ابا عبدالله، به من سفارشی بفرما.

فرمود: «أوصيك بِتِسْعَةِ أَشْيَاءَ فَإِنَّهَا وَصِيَّتِي لِيُرِيدِي الطَّرِيقَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يُؤَقِّكَ لِاسْتِعْمَالِهِ. ثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي رِيَاضَةِ النَّفْسِ وَثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْحِلْمِ وَثَلَاثَةٌ مِنْهَا فِي الْعِلْمِ فَأَحْفَظْهَا وَإِيَّاكَ وَالنَّهْأُونَ بِهَا؛ تَوَرَّابَهُ نَهْ چيز سفارش می‌کنم، همانا آن‌ها وصیت من به اراده کنندگان راه خداوند متعال است و از خدا می‌خواهم به تو در عمل به آن‌ها توفیق دهد. سه مورد از آن نه چیز در مورد [تربیت و] ریاضت نفس است و سه مورد از آن‌ها در مورد حلم [و بردباری] است و سه مورد از آن‌ها درباره علم [و دانش] است. پس آن‌ها را به خاطر بسیار و مبدا [در عمل] به آن‌ها سستی کنی.»

عنوان می‌گوید: من دلم را برای آن حضرت فارغ نمودم. حضرت فرمود: «أَمَّا اللَّوَاتِي فِي الرِّيَاضَةِ فَإِيَّاكَ أَنْ تَأْكُلَ مَا لَا تَشْتَهِي فَإِنَّهُ يُورِثُ الْحِمَاةَ وَالْبَلَةَ وَلَا تَأْكُلْ إِلَّا

هیچ تدبیری نمی‌کند و تمام مشغولیت او در مورد چیزی است که خدا به آن امر کرده یا از آن نهی کرده است.

آن‌گاه که بنده خدا در مورد چیزهایی که خدا به او سپرده است، برای خودش ملکیتی نبیند، انفاق کردن در چیزهایی که خدا به آن امر کرده است، بر او آسان می‌شود و اگر بنده خدا تدبیر امور خود را به مدبرش بسپارد، مصائب [و مشکلات] دنیا بر او آسان می‌گردد و زمانی که بنده به امر و نهی خداوند متعال مشغول شود، دیگر مجالتی نمی‌یابد تا از این امر فرصتی برای خودنمایی و تفاخر با مردم پیدا کند.

پس آنگاه که خدا بنده [خود] را به این سه چیز گرامی بدارد، دنیا و ابلیس و خلائق بر او آسان می‌گردند و برای مال اندوزی و فخر فروشی، دنبال دنیا نمی‌رود و به جهت عزت و علو [درجه خود] به آنچه در نزد مردم است، چشم نمی‌دوزد و روزهای خود را به بطالت نمی‌گذرانند. پس این اولین درجه تقوا است. خداوند متعال می‌فرماید: این سرای آخرت را تنها برای کسانی قرار

بخور و نام خدا را بسر و حدیث پیامبر صلی الله علیه و آله را بیاد بیاور [که فرمود: آدمی هیچ ظرفی را بدتر از شکمش پر نکرده است. پس اگر ناچار شد، یک سوم [شکمش را] برای غذا، یک سوم برای آب و یک سوم برای نفس کشیدن [اختصاص دهد].

اما آن سه مورد که درباره حلم است، پس کسی که به تو بگوید: اگر یک کلمه بگویی، ده تا می شنوی! [به او] بگو: اگر ده کلمه بگویی، یکی هم نمی شنوی! و [اگر] کسی به تو ناسزا بگوید، به او بگو: اگر در آنچه می گویی، راست گو هستی، از خدا می خواهم که مرا ببخشد و اگر در آنچه می گویی، دروغ می گویی، پس از خدا می خواهم از تو درگذرد و اگر کسی به تو وعده فحش دادن داد، به او وعده خیرخواهی و مراعات [حال او را] بده. و اما آن سه چیزی که در مورد علم است، این که آنچه را نمی دانی از علما بپرس و مبادا که چیزی را از آنها بپرسی تا آنها را به لغزش افکنده و

عِنْدَ الْجُوعِ وَإِذَا أَكَلْتَ فَكُلْ حَلَالًا وَتَسْمِ اللَّهَ
وَإِذَا تَكَلَّمَ حَدِيثَ الرَّسُولِ صلی الله علیه و آله: مَا مَلَأَ أَدَمِيَّ وَعَاءَ
شَرًّا مِنْ بَطْنِيهِ. فَإِنْ كَانَ وَلَا بَدَّ فُتِلْتُ لِبَطْنِيهِ
وَوُتِلْتُ لِشَرَابِهِ وَوُتِلْتُ لِنَفْسِيهِ.

وَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْحِلْمِ فَمَنْ قَالَ لَكَ «إِنْ
قُلْتَ وَاحِدَةً سَمِعْتَ عَشْرًا»، فَقُلْ: «إِنْ قُلْتَ
عَشْرًا لَمْ تَسْمَعْ وَاحِدَةً» وَمَنْ سَمِعَكَ فَقُلْ لَهُ «إِنْ
كُنْتُ صَادِقًا فِيمَا تَقُولُ فَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يَغْفِرَ لِي
وَإِنْ كُنْتُ كَاذِبًا فِيمَا تَقُولُ فَاللَّهُ أَسْأَلُ أَنْ يَغْفِرَ
لَكَ» وَمَنْ وَعَدَكَ بِالْحَنَى فَعِدَّهُ بِالنَّصِيحَةِ
وَالرَّغَاءِ.

وَأَمَّا اللَّوَاتِي فِي الْعِلْمِ فَاسْأَلِ الْعُلَمَاءَ مَا
جَهَلْتَ وَإِيَّاكَ أَنْ تَسْأَلَهُمْ تَعْتَنَّا وَتَجْرِبَةَ وَإِيَّاكَ أَنْ
تَعْمَلَ بِرَأْيِكَ سَيْنًا وَتُحَدِّثَ بِالْأَخْتِاطِ فِي جَمِيعِ
مَا تَجِدُ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَاهْرَبْ مِنَ الْفِتْنَةِ هَرَبًا مِنَ
الْأَسَدِ وَلَا تَجْعَلْ رَقَبَتَكَ لِلنَّاسِ جَسْرًا.

فَمَنْ عَنَى يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ فَقَدْ نَصَحْتَ لَكَ وَلَا
تُفْسِدْ عَلَيَّ وَرَدِي فَأَنْتَ امْرُؤٌ صَنِيعٌ بِنَفْسِي
وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مِنَ اتَّبِعِ الْهُدَى؛ أَمَا أَنْ
چیزهایی که در مورد تأدیب نفس
است: این که مبادا چیزی بخوری که به
آن اشتها نداری؛ چرا که باعث حماقت
و نادانی می شود و چیزی مخور مگر
آن گاه که گرسنه شوی و آن گاه که
خواستی چیزی بخوری از حلال

۱. محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، ج ۱، باب ۷، آداب طلب العلم و احکامه، ص ۲۲۵، ۲۲۶.

نگرانم [از این که مقداری از آن بیهوده تلف شود] و سلام بر کسی باد که هدایت پذیرد.»

دستور العمل دوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 بَعْدَ حَمْدِ اللَّهِ جَلَّ شَأْنُهُ. وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ
 عَلَى رَسُولِهِ وَآلِهِ: حضرت آقا، تمام این خرابی‌ها که از آن جمله است و سواس و عدم طمأنینه، از غفلت است و غفلت کمتر مرتبه‌اش، غفلت از اوامر الهی است و مراتب دیگر دارد که به آن‌ها ان شاء الله نمی‌رسید و سبب تمام غفلات، غفلت از مرگ است و تخیل ماندن در دنیا، پس اگر می‌خواهید از جمیع ترس و هراس و سواس ایمن باشید، دائماً در فکر مرگ و استعداد لقاء الله تعالی باشید و این است جوهر گرانبها و مفتاح سعادت دنیا و آخرت. پس فکر و ملاحظه نمایید چه چیز شما را از او مانع و مشغول می‌کند، اگر عاقلی! و به جهت تسهیل این معنی، چند چیز دیگر به سرکار بنویسد بلکه از آن‌ها استعانتی بجویی:

اول بعد از تصحیح تقلید یا اجتهاد مواظبت تامه به فرایض خمس

مواظب باشید مبادا پنجاه سال با کدّ یمین و عرق جبین در حوزه‌ها جهنم کسب نمایید، به فکر باشید در زمینه تهذیب و تزکیه نفس و اصلاح اخلاق، برنامه تنظیم کنید؛ استاد اخلاق برای خود معین نمایید.

آنان را آزمایش کنی و مبادا از روی نظر [و رأی] خودت دست به کاری بزنی و در همه مواردی که راه دارد، احتیاط کن و از فتوا دادن فرار کن همانند فرار کردن از شیر درنده و گردن خود را پیل عبور برای مردم قرار نده.

ای ابو عبدالله، دیگر از نزد من برخیز؛ همانا برای تو خیرخواهی [و نصیحت] کردم و [ذکر و] ورد مرا فاسد نکن زیرا که من مردی هستم که نسبت به [گذشت عمر و ساعات زندگی] خودم [حساب دارم و]

حالی رخ دهد که طالب استقامت^۲

۱. علامه طباطبایی فرمودند: سوره‌های مسبّحات که با **يُسَبِّحُ** و **سَبِّحْ** شروع می‌شود، پنج عدد است:

سوره حدید، حشر، صف، جمعه و تغابن.

در روایت است که رسول الله صلی الله علیه و آله این پنج سوره را هر شب قبل از خواب می‌خواندند. از سبب قرائت این سوره‌ها سؤال کردند؛ حضرت جواب فرمودند: «در هر یک از این سوره‌ها آیه‌ای است که به منزله هزار آیه از قرآن است.»

(محمد حسین، حسینی طهرانی، مهر تابان، قم، انتشارات باقرالعلوم علیه السلام، صص ۱۵۷-۱۵۶).

«علامه طباطبایی فرمودند: «مرحوم قاضی اول دستوری که می‌دادند، ذکر یونسی بود و دیگر مسبّحات است که هر شب تلاوت شود.»

فرمودند: در خیر مسبّحات خمس است که سوره اعلی را ندارد و ما این حدیث را به مرحوم قاضی عرضه داشتیم و ایشان با وجود این، سخت مصرّ بودند که مسبّحات قرائت شود. زیرا خودش هم چیزهایی می‌دانست که از استادان سینه به سینه اخذ کرده بود.»

(حسن، حسن زاده آملی، هزار و یک نکته، قم، مرکز نشر فرهنگی رجاء، چاپ دوم، ۱۳۵۶، صص ۵-۶).

۲. علامه حسن زاده آملی: مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی در طبقات اعلام شیعه در مورد آیت الله قاضی نوشته است: «قرآینه مستقیماً فی سیرته» کلمه‌ای بسیار ارزشمند است، چه عمل عمده در سلوک الی الله استقامت است. نزول برکات و فیض‌های الهی بر اثر استقامت است. **﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفْتَوْا نَسْتَوِلُ عَلَيْهِمْ الْمَلَائِكَةُ أَنْ لَا تُخَافُوا وَلَا تُخْزَوْنَ وَأَنْبِئُوا بِالْحَقِّ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ﴾** فضلت/۳۰.

و سایر فرایض در احسن اوقات و سعی کردن که روز به روز خشوع و خضوع بیشتر گردد و تسبیح صدیقه طاهره علیه السلام بعد از هر نماز، خواندن آیت الکرسی کذلک و سجده شکر و خواندن سوره «یس» بعد از نماز صبح و «واقع» در شب‌ها، و مواظبت بر نوافل لیلیه و قرائت مسبّحات^۱ در هر شب قبل از خواب و خواندن معوذات در شفع و وتر و استغفار هفتاد مرتبه در آن و ایضاً بعد از صلاة عصر و این ذکر را بعد از صلوات صبح و مغرب یا در صباح و عشاء ده دفعه بخوانید: **«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، لَهُ الْخَمْدُ وَهُوَ الْمَلِكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّي أَنْ يُخَضِّرُونِي إِنْ أَلَّفَهُ الْوَسْوَاسِ الْغَلِيظِ؛** غیر از الله خدایی نیست؛ یکتاست؛ شریکی ندارد؛ ستایش برای اوست؛ حکومت از آن اوست و او بر هر کاری تواناست. از سر به گوشی‌های شیطان‌ها به الله پناه می‌برم و پناه می‌برم به تو ای پروردگار من از این که در برم آیند. همانا خدا شنوا و داناست.»

مدتی به این مداومت نمایند بلکه

نعمت‌های باری تعالی بر ما قبل از هر چیز بر ما واجب و لازم است که توبه نماییم با شرایط لازم و نمازهای ویژه، سپس از گناهان کبیره و صغیره به قدر توان دوری نماییم.

پس شب جمعه یا روز شنبه نماز توبه^۵ بخوانید - شب جمعه یا روز آن - سپس روز یکشنبه که روز دوم ماه است اعاده کنید آن را.

سپس ملازم باشید به مراقبه صغری و کبری و محاسبه و معاتبه نفس به آنچه شایسته و لازم است.^۶ پس همانا در آن یادآوری برای کسی است که اراده دارد متذکر شود یا از خدا بترسد. سپس با دل‌هایتان به خدا توجه

شوید، ان شاء الله تعالی^۱.

دستور العمل سوم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ
الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةَ وَالسَّلَامَ عَلَى الرَّسُولِ
الْمُبِينِ وَوَزِيرِهِ الْوَصِيَّ الْأَمِينِ وَأَبْنَائِهِمَا
الْخُلَفَاءِ الزَّاهِدِينَ وَالذُّرِّيَّةَ الطَّاهِرِينَ وَالْخَلْفَ
الصَّالِحَ وَالنَّمَاءَ الْمَعِينِ، صَلَّى اللَّهُ وَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ
أَجْمَعِينَ.

قَالَ عَزَّ مِنْ قَائِلٍ: «وَمَنْ يَغْتَصِمَ بِاللَّهِ فَقَدْ
هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۲؛

«هر کس به خدا تمسک جوید، به راهی راست، هدایت شده است.»
وَقَالَ: «فَأَسْتَقِيمُ كَمَا أُمِرْتُ»^۳؛ «سپس همان گونه که فرمان یافته‌ای استقامت کن!»

قَالَ جَلَّ جَلَالُهُ الْعَظِيمُ: «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا
رَبِّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَفَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ
الْمَلَائِكَةُ...»^۴؛ «به یقین کسانی که گفتند: پروردگار ما خداوند یگانه است؛ سپس استقامت کردند؛ فرشتگان بر آن‌ها نازل می‌شوند...»

برادران عزیزم، خداوند متعال شما را برای طاعتش موفّق نماید، هشیار باشید که به ماه‌های حرام وارد شده‌ایم، پس چه بزرگ است و تمام

۱. صادق حسن‌زاده، اسوه عارفان، قم،

انتشارات آل علی، چاپ پنجم، ۱۳۷۹، صص ۱۲۹-

۱۲۸.

۲. آل عمران/۱۰۱.

۳. هود/۱۱۲.

۴. فصلت/۳۰.

۵. این نماز در مفاتیح الجنان، اول اعمال ماه ذی القعدة بیان شده است.

۶. منظور از مراقبه صغری، محاسبه نفس از جهت صدور گناه و خطا حتی ترک مستحبات و ارتکاب مکروهات است و مراقبه کبری، دوام ذکر، توجه و عدم غفلت در حد امکان می‌باشد.

از صدر اسلام تا به حال، عارفی به جامعیت مرحوم قاضی نیامده است.

گریزی برای مؤمنین از آن نیست و
تعجب از کسی است که می خواهد به

۱. آیت الله مصباح یزدی فرمودند: «مرحوم علامه [طباطبایی] و [آیت الله العظمی] آقای بهجت از مرحوم آقای قاضی رحمته الله علیه نقل می کردند که ایشان می فرمودند: «اگر کسی نماز واجبش را اول وقت بخواند و به مقامات عالیه نرسد، مرا لعن کنند! یا می فرمودند: به صورت من تف بیاندازد!»

اول وقت سسر عظیمی است، «خَافِظُوا عَلَيَّ الصَّلَاةِ» خود یک نکته ای است غیر از «اتَّقُوا الصَّلَاةَ» این که انسان اهتمام داشته باشد و مقید باشد که نماز را اول وقت بخواند، فی حدّ نفسه آثار زیادی دارد و لو حضور قلب هم نباشد. (محسن، غرویان، در محضر بزرگان، قم، نشر نوید اسلام، ۱۳۷۶، ص ۹۹)

علامه طهرانی می فرماید: دعائی است که در قنوت نمازهای یومیه خوانده می شود، اول فقره آن این است: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي حُبَّكَ وَحُبَّ مَا تُحِبُّهُ وَحُبَّ مَنْ يُحِبُّكَ، وَالْعَمَلُ الَّذِي يُبَلِّغُنِي إِلَى حُبِّكَ وَاجْعَلْ حُبَّكَ أَحَبَّ الْأَشْيَاءِ إِلَيَّ». آقای قاضی به شاگردان خود سفارش می کردند این دعا را در قنوت نمازهایشان بخوانند. (اسوه عارفان، ص ۷۷)

نمایید و مرض هایی که در اثر گناه است، مداوا کنید و به وسیله استغفار، عیب های بزرگتان را کوچک و کم نمایید. از هتک حرمت ها دوری نمایید. پس اگر کسی هتک حرمت نمود، اگر چه خدای کریم بر او هتک نکرده باشد، پس او هتک شده است. کجاست امید نجات برای قلبی که در آن شک و شبهه وارد شده و گرفتار گشته است، چه برسد به این که راه

پارسیان در پیش گیرد و با نیکوکاران از آب روان و گوارا بنوشد. **وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى نَفْسِي وَأَنْفُسِكُمْ وَهُوَ خَيْرُ مُعِينٍ.**

۱- شما را سفارش می کنم به این که نمازهایتان را در بهترین و با فضیلت ترین اوقات آن ها به جا بیاورید^۱ و آن نمازها با نوافل، پنجاه و یک رکعت است، پس اگر نتوانستید چهل و چهار رکعت بخوانید و اگر مشغله های دنیوی نگذاشت آن ها را بجا بیاورید، حداقل نماز اوّابین بخوانید. [نماز اهل انابه و توبه هشت رکعت هنگام زوال است.]

۲- اما نماز شب پس هیچ چاره و

رکعت نماز با صدای خوش و آهنگ دلنشین قرآن از سوره‌ای طویل می‌خواندند، بعد به حالت تفکر رو به قبله نشسته و بعد می‌خوابیدند - دوباره بیدار شده و چند رکعت دیگر به همین منوال می‌خواندند.»

(محمد حسین حسینی طهرانی، روح مجرد، تهران، انتشارات حکمت، ۱۴۱۴ هـ. ق، چاپ اول، ص ۴۹۳.)

۲. آیت الله شیخ محمد تقی آملی رحمته الله علیه می‌فرمود: «من در بحث فقه آیت الله قاضی شرکت می‌کردم - روزی از ایشان سؤال کردم - آن روز هوا بسیار سرد بود - که ما می‌خوانیم و می‌شنویم که عده‌ای موقع قرائت قرآن جلویشان آفاق باز می‌شود و غیب و اسرار برای آن‌ها تجلی می‌کند... در حالی که ما قرآن می‌خوانیم و چنین اثری نمی‌بینیم! مرحوم قاضی مدت کوتاهی به چهره من نظر کرد سپس فرمود: بلی! آن‌ها قرآن کریم را تلاوت می‌کنند و با شرایط ویژه، رو به قبله می‌ایستند... سرشان پوشیده نیست، کلام الله را با هر دو دستشان بلند می‌کنند، و با تمام وجودشان به آنچه تلاوت می‌کنند، توجه دارند و می‌فهمند جلوی چه کسی ایستاده‌اند! اما تو قرآن را قرائت می‌کنی در حالی که تا چانه‌ات زیر کرسی رفته‌ای! و قرآن را روی زمین می‌گذاری و در آن می‌نگری...!» (اسوه عارفان، ص ۲۵.)

۳. مرحوم آقای قاضی سفارش می‌کردند: «در یک مسجد همیشه نماز نخوانید، به مساجد دیگر نیز بروید و هر جا دیدید حال پیدا کردید آن‌جا نماز بخوانید و هر جا دیدید که حال پیدا نکردید، مکان خود را تغییر دهید و از این مسجد به مسجد دیگر انتقال یابید و خلاصه آن که توقف در یک مکان بی‌مورد است و باید دائماً دنبال حال بود و از هر جا به جای دیگر منتقل شد و هر جا حال بهتر بود آن‌جا را انتخاب نمود.» (اسوه عارفان، ص ۳۲.)

کمال دست یابد، در حالی که برای نماز شب قیام نمی‌کند و ما نشنیدیم که احدی بتواند به آن مقامات دست یابد مگر به وسیله نماز شب!

۳- بر شما باد به قرائت قرآن کریم در شب و با صدای زیبا و غم‌انگیز، پس آن نوشیدنی و شراب مؤمنان است.^۲

۴- بر شما باد به التزام به وردهای معمول که در دسترس هر یک از شماهاست و سجده معهوده از ۵۰۰ مرتبه تا هزار بار.

۵- زیارت مشهد اعظم - برای کسی که معاور آن‌جاست - در هر روز، و رفتن به مساجد معظمه در حد امکان و همین طور سایر مساجد^۳، همانا مؤمن در مسجد مانند ماهی در آب است.

۶- و بعد از نمازهای واجب، تسبیح فاطمه زهرا علیها السلام ترک نشود،

۱. علامه طهرانی کیفیت نماز شب خواندن مرحوم سید هاشم حداد را که متخذ از مرحوم آقای قاضی بوده است، چنین نقل می‌کند: «ایشان اول غروب پس از نماز مغرب، مقدار مختصری شام می‌خوردند و بعد از نماز عشا می‌خوابیدند - بعد از ساعتی بیدار شده و پس از وضو، چند

مشکلات هستند.

۱۱- زیارت قبرها در روز - یک روز در میان - و به زیارت قبرها در شب نروید^۲ [شاید اگر هر روز به زیارت اهل قبور برویم به شکل عادت در بیاید و تاثیر گذاری آن کمتر باشد].
 مَا لَنَا وَلِلدُّنْيَا قَدْ عَزَّرْنَا وَشَفَعْنَا
 وَاسْتَهْوَيْنَا وَكَيْسَتْ لَنَا، قَطُوبِي لِرِجَالِ آبَدَانِهِمْ
 فِي النَّاسُوتِ وَقُلُوبِهِمْ فِي اللَّأْمُوتِ، أَوْلَيْكَ
 الْأَقْلُونَ عَدَدًا وَالْأَكْثَرُونَ عَدَدًا، وَاسْتَغْفِرُ اللَّهُ^۳.

**زیاد به دیدار برادران
 نیک سیرت بروید،
 چرا که آن‌ها برادران
 شما در پیمودن راه و
 رفیق در مشکلات
 هستند.**

همانا آن از ذکر کبیر به شمار می آید و حداقل در هر مجلسی یک دوره ذکر شود.

۷- از آن چیزها که بسیار لازم و با اهمیّت است دعا برای فرج حضرت حجت علیه السلام در قنوت نماز وتر است بلکه در هر روز و در همه دعاها.

۸- قرائت زیارت جامعه در هر روز جمعه، مقصودم همان زیارت جامعه معروف است.

۹- تلاوت قرآن کمتر از یک جزء نباشد^۱.

۱۰- زیاد به دیدار برادران نیک سیرت بروید، چرا که آن‌ها برادران شما در پیمودن راه و رفیق در

۱. علامه طباطبایی می فرماید: «اکثر افرادی که موفق به نفی خواطر شده و توانسته اند ذهن خود را پاک و صاف نموده و از خواطر مصفا کنند و بالاخره سلطان معرفت برای آنان طلوع نموده است، در یکی از این دو حال بوده است:

اول: در حین تلاوت قرآن مجید و التفات به خواننده آن، که چه کسی در حقیقت قاری قرآن است و در آن وقت برای آنان منکشف می شده است که قاری قرآن خداست - جل جلاله ...

دوم: از راه تسوسل به حضرت ابا عبدالله الحسین علیه السلام، زیرا آن حضرت را برای رفع حجاب و موانع طریق نسبت به سالکین راه خدا عنایتی عظیم است.

(محمد حسین حسینی طهرانی، رساله ثبّ اللباب، تهران، انتشارات حکمت، ص ۱۵۹).

۲. آیت الله قاضی رحمته الله علیه «نوعاً بین الطلوعین به قبرستان وادی السلام می رفتند، چنانکه در روایت وارده شده که بین الطلوعین به قبرستان بروید.» (اسوه عارفان، ص ۱۳۹).

۳. اسوه عارفان، صص ۱۳۹-۱۳۴.